



حسن شاہنشاہی ایران

این روز نامه مکار در تاریخ طی ۱۰۰ شماره و در تیرماهی برای تبریز از همه‌ی جوانان که این روزهای مبارکه با آنها می‌باشد

شماره چهارم: حوار شنیده ششم مردادماه ۱۳۵۰



۷۶ روز تا آغاز حشن شاهنشاهی فاصله داریم

اهمیت جشن‌ها از نظر جهانگردی *

شاہنشاهی ایران در دایرة المعارف های جهانی

بازتاب تمدن و روح ایران

پیوستن به جشن‌های شاهنشاهی ایران تجدید پیمان با حقوق بشر است

پاچش و هزار و پانصد میلیارد گذاری شاهنشاهی ایران دنیا را می‌بیند، می‌باشد که آن را که قوهای میانه بود، ادا نکرده بود، یعنی می‌باشد و در این سیار بزرگ بود، چنان زیارتگاری که از خود در این قرن تنهایی می‌باشد، بیرون ماند، و تها فرق نیست است که میتواند از این قدر نند، و حرمت آنرا بخواهد.

در حالیکه دفاع از آزادی معتقد، و حق حیات وزندگان ایلکسی و اپشنوی از این اهداف،
اقوام، و حقیقی که درستگی نفع و نیاز خود داردند نخستین پاره
و در بیرک تقطه تحول تبدیل، طیور بزرگ نیزه کشیده، ای ایرانی غاز
کشت، و کوروس بزرگ آئین هاشمیان را با علام آزادی
دستگیری کرد، و حرمت سکوت اقوام و تیره های محل هنگام
الغای امارت و بردگی اقوام و مذاهبه، در پایان هم آیینه،
که این مرزو، بحق، خاطره اعلیه استقرار ایالات متحده
را کرامی مبارزه، و از جفرون با چالچراغی بله و موتز برگ
انسان و تبدیل یاد میکنند و انتقام کبیر فرانسه را که
ساده کننده نخستین اعلامی حقوق شد، را بایران همچو
همه ایالات متحده، ایجاد کردند، و در وارون روشنایی تبدیل

بوده، می تایند. چون اکنون شاهزاده، در دوران روشنایی مدنی انجام گرفته است، در روز کاری که مبارزه بگرد، این روز شاهزاده بود و بکرس شاهزاده این حقوق درجهان آغاز شده بود. اما روزی که کوشش برگز بیمهت افغانستانی شاهزاده ایران اعلامیه خود را مبنی بر آزادی عقیده، و احترام حقوق انسان، اعلام کرد، و از این بر استوانه ای، در بایل تقریزه دند، انسان اسری، که هرتن و اندیشیده شدند باشد. سیگنیتی اسارت را پسکیتیون میکشند مبارزه ای نداشتند. شاهزاده و اکابر را نسبت به خودنی که آنها دارد برای حاصل نشاند بود، و به آنها برآ و تازل میشند گردد. میگذارند و بار خانی خود، تپه اسارت ورده گی میاد. کوشش برگز درین بقیه در مضمون



لوحة زاخه و زاخه ۱۰۰

رسول عدالت

«بن، خداوند خدا، میگوین»:
کوروش، شان من است و تمامی صفات مر را به این تام
رسانید. کشت که از همچو، کسی را برگزینیخت و
ت اور ازده بخای و میخواست. آنها را بساوی
کوروش (تلیمیمهای و او) (کوروش) را برداشتهان
نمیگردند. آنها را پر از پر شیر شترش، بیان گردند.
و ام کفایت، همانند کار، بر آنکه میسراد.

برابر کافش، همانند باه، پیرا نده بسیار،
کام، گفتیں
اساس دوام و پیش از شاهنشاهی این مردم زیور و روز
که پیش خواسته، برپا عزله شده است، جامعه‌ای که
آن از آغاز تالارهای هران تا والده استوار است
به کترش علیله و داد کوشیده، که حق در پرداخته‌ترین
نیز کام، کام خدا، پسر بیکی بیکی بیکی بیکی بیکی
تکیه نیز، پسر بحول جوانی بمری، نیما نیکه این حیثیت
که اگاهان که امیر عربی بزرگ، و رهبری خردمند
نه حکمرانی سرزمینی تکیه زده، و عدل و مادران، مثل
بچه در صفحه

اندیشه‌ای و هدفی بزرگ از داریوش تا آریامهر

روزگار ۲۵۰۰ سال شاهزادی ایران زمین

شستند. اول و دوم نزدیک شده است. نزدیک است جزو او، گرچه درین ماده نیست و بتواند نزدیک است. نزدیک است جزو که درخشیده او، بنداراو، کروکار او، همه، چیز جاودائی پایه اند. منشی هنر سگانکه نمیگوید که او تخت تعالیم رذشت و مددگار افراد ازمندا زد، در چهان برلن، همواره نام دارد و بینداز و خداحافظ است. اول و دوم جاودائی زنده خواهد بود.

۴۸۴

همهی راهها، سرانجام به یک مسیر انجامده
و راه زندگی داریوش بزرگ‌ترین بهمنان مسیر
انجامید. جستشانهاددادگر را باحضور و لیهد

پس از **نیاز** جوان ای از **ازدمیں**، **خشنایشا**! **فرزند** پورمند او، پس از **نیاز** مارس **باشکوهی**، **دفن** کردند. **ولیهد** ایران، **خشنایشا**! **برخت** سلطفت جلوس کرد و **هریری** اموردادر **قلمرو** و **سیع شاهنشاهی** پهدهد گرفت.

٤٨٥ **قبل از میلاد** اهرام زدن اشاره نمایند. است. نیکان در دوره پیغمبر کار می‌گذارند و شب پریا کنیز از اسپیس کاهن نیکان را به سیمیدی، هریان ترنیک اور استوسیاپی، جلوه‌ای از نکاح در هر و هر عینان، و دری و قلعه و حکومت آهور از مرد را برگ کرد. همان دن ۵ کش اهرام زدن اشاره نمایند. است. نیکان در دوره پیغمبر کار می‌گذارند و شب پریا کنیز از اسپیس کاهن نیکان را به

روزنامه‌چشم شاهنشاهی ایران

این روزنامه طی ۱۰۰ شماره همراه با چاپ
کشور و برای برای تیراژ گلیه روزنامه‌ها چاپ
و منتشر می‌شود.

روزنامه حش - شاهنشاهی

بازتاب تمدن و روح ایران به تفسیر یک

آکادمیسین بزرگ

در عصر ما، که سازمان ملل متمدن از زبان «پیوستکو» نماینده فرهنگ و عالی و آموخت خوش براي نصت پيشت از پريشان و كيشه راه روي پسيو همه مردم و همه استادان ميليون هر دوست از اين امراني ميتواند بنوان يك سرمنچ عالي تارخي به مسئولان اين آموخت، و همروت يك پيروزی بزرگ معنو با گوشواره اهاي که در راه ايفا اين رسالت انجام ميگيرند، عرضه گردد.

شاید مهمترین مثاله عصرما، ایران، کجاو تاهم و حسن
ادریاک میان شرق و غرب باشد. ایران چگونه میجسی دارد
براینکه چنین میتواند بمعنی وسیع آن تقدیم یابد
زیرا این ملت از راه فرنگی و اندیشه خود، و از راه
تمام تاریخ خود، شنان داده است که درین کشور شرق و غرب
بسیروت موزون و هماهنگ و جذیل نایابدیر با یکدیگر

نوشته «رنگ و رسم» طبیور کلی پیان کننده اموی است که
جن دوزر ایران و اسپنسرین سال بنیانکاری شاهنشاهی ایران
بر پیان آمده بوجود آمده است، زیرا این جن پیش از هرگز از شاهی
باشد تجدید عهدهای ایران با زیر گزین از شاهی گذشت
تاریخ و شاهنشاهی و تمن میگردید و فرهنگ ایران و عرب
باکه پیوند استوار تازه میان آنها و دیگر ملتها و فرهنگها
جهان در راه نهاده بشری، چنان بینی، کیانی اندیشه و اخراج
به حقوق و معمتمدات انسانی، یعنی تمام آن اسلام است که
از آغاز اسلام شاهنشاهی و تمن ایران بوده و امروز
 بصورت شروعت‌های عمر حاضر در آمد است. ملت ایران
با برگزاری شروعت میکند، باکه تراز آمامه است و پیچ قدر
زندگی خوش را در مرعش قضاوت تاریخ و قدر می‌دهد.

پروپوزیشن بزرگ
میدانهای این دوران دو هزار و پانصد ساله، مدور اعلاه
تاریخی و معرفی کوشش بزرگ در برابر اسلام قلی
میله است که مسخنه اول تاریخ شاهنشاهی و در عین
حال بر اتفاقهای تازه مطلع آن شماره میرود زیرا
اعلامیه برای شنیدن بیان اساسی تازه در حکومت‌های دنیا
کهن بوجود آورده و شوهای را که تا پامروز نیستند
حکومت‌های متفرق جهان پیریوی میشود چنانین طبق
پیشین کرد.

کوروش تقرباً برای تمام جهانیان، قیامه تاریخ
کمال آشائی است، زیرا چه در کتب مقدس یهودیان
میسیحیان چه در آثار هر خان پیرگ ربانی، یعنی ازا
سخن بیان آمده است.
هروdot، پیرگرین و مرخ عمر کهنه درباره ای
می‌نویسد:

کروش پاماهنی بود ساده و بلند هفت و جوانمردی
و بخوبی، این ابعاد را فرمانی مشفانه و مدیرانه داشت
پیشنهاده و مهران و آمادگان و استراتژیست و نوآور بود،
همواره خیر و سعادت زیرستان خود را میخواست مردمان
وی را پدر خواندند.
اشرل در تاریخ معرفت ایرانیان ۴۶ اصولاً در دشمن
نالان یونس شاهد، از اثوروش به عنوان «پادشاه دادگستر

که برای همه اتباع خود خوشبختی و رفاهیت بارگان آورد
یاد میکند و مینویسد:

«کروش آدمیزداده ای نیک رفراخ بود که همه مرده را که بر فرمان می پروردند آمنیت و آرامش بخشید. خداوند دوست داشتنده زیرا که رس شمار بر خود بود.»
دیو پور سیلیو مورخ مهندس بنیوندیه:
«کروش از حیث کفایت و حزم و سایر خصال نیک سرآمد معاصرین خود بود. همانچنان که در پیر پیر نشست
شجاعه نشستن شان میاد است با یافتن خوشبیر گواروی

اپلاؤنڈ دریاره او میگوید:
 «کروش سرمدی برگ و راهبر عالیه تندی بر
 وطن خود بود. در زمان او ایران فرمانروای مملکت پیش
 شدند. ولی بهمه آن مردم حقوق مردم آزاد پختند. بطور
 دلایو هم پیو تردید کند. لاجرم سرانجام یو نه راه
 و خاطر او پیشوی هر طبقه حاضر بودند. اگر میان اینها
 او کسی بود که رفته و رأی صائب داشت، شاه نه تنها خون
 حسد نمیورزید بلکه بدو آزاری میکرد. همه خون گرفتار میشدند.
 همه آنکسانرا که پیو راهنمایی نکو میکردند پاداش میدند
 و از اینها چهارمین امکان اند نهاده بود که خود رتو
 نمیشدند. اینها هدایت میکردند، میکنند، اینها همچنانست

خوبی را سان دسته سوپر پھرور او پر پیشیز و
پرتو این آزادی و هم آهنگی و خردمندی که بهره آن
همه میشد روز بروز از رفاه بیشتری برخورد اراده شد.
نانه

غیری مسیحی نستوری و چه درباره آئین بودائی شرقی کمال
تفاهم و اعمام را نشان دادند.

«ایران شیعه نیز، از زمان عباسیان تا پامروز همین فناهم و اغراض را در مردم فرقه‌های مختلف مذهبی در اجتماع مسلمان ایرانی (میسیحیان، یهودیان و زرتشیان) ابراز داشته است.

«پالایم ازیان آرمانی که مهمترین وجه امتیاز آن جنبه انسانی آن است، بر اثر نفوذ دائمی عامل اندیشه و معنویت بر تقدیر ایرانی، ادبیات ایران تواست ارزش‌های کلاسیک در درقیاس جهانی پس از وجود آورده، و مکتب شریدست و هجان نهد که در خانای را با چگنهای عروج و فکری بیناد نهد که بعدها سلطنت اسلام غرب را ساخت، آن بوجود آمد.

«شم ای، ایرانه، از قبیل سعدی و حافظ نه تنها مورد

احترام همه مردم ایراننده بلکه در تمام دنیا اسلامی و در سراسر آسیا ترکیخان و عرب زبان های همان افشاره هورزد باقی ماند و تاکنون هستند که در این سالها یا شاهزاده ایوان امداد و نفعه این پرگان سخن پارس دره آجده در غرب مظہر است. میتواند بعدها ایوان امداد شاهزاده باکال شکل و جمال قالب است. این است.

«سب این است که ایران درین حال هم شرق است وهم غرب، پیاد زیان آن کاملاً دهن و اوپیا است و ازین اندیشه اندیشه ای از خالل زیان برای ملل غیری اندیشه ای است. در عین حال ایران جزو لجه ایجاد تهدید اسلامی است که خود در پیادیش ارزشیها خاص این سهمی سیگن دارد.

«اصابات و سیاست مردمی ایرانی»، پژوهشگران ایرانی،
است که با آنداشتمندی و می‌بینندگی، تأثیرات منع دیگر
تمدنها و فرهنگهای جهان را پذیریده‌اند که در هیچ‌مورود
شخیصت خاص خود را برای فراموش نکنند. نفوذ یونانی، نفوذ
عرب، نفوذ چینی و مغولی، نفوذ اسپانیا، نفوذ دیگری توسعه
کاملاً ایرانی حل شده‌اند. حتی افلاطون و ارسطو، در ایران
بسیار رضت مکتبهای قائلی، این سیاستها و غزالتها و شهروری‌ها
و روزه تأبیت ایرانی کردند و هرچیزی نیز در صورت‌های
نخستین ایرانی خورد.

[۱] ایران، درجهاره اندیشه و در قاب دنیا کوئی
آنکه امثال خود را از اکف بدهد، از آغاز تاریخ خوش
تاتا پامزور مکام راپم و پیوند همه‌نامه شرق و رای را داشته است. زبان پارسی فیرنامی زبان ادبی است بهنواری از
هند مسلمان بود. هزاری این روز در سراسر میانی همچو اسما
در پیش از اینکه نیز پیش از و در عصر صفوی میانی می‌باشد.

ایران تاکلکند و بیکار را پیرز نفوذ خوش آورد، و مسیح پیش از آن را آغاز قرون وسطی، آئین بودایی مبتکن شاعر ایرانی را تامزه‌های چن پیشبرده و در عصر ساسانیان و عباسیان، مبلغان مسیحی ایرانی از آئین را تا
امیر اثوری چن رواج داده و میدانیم که در عصر هارپوکرولو، زبان تمند و زبان رایج بازگشایی در سراسر آسیا می‌باشد، از پخارا تا یونان، زبان فارسی بود.

ایران پیچ میباشد خوش را عفو سریلند و شایسته
خانواره پسری بدانه تیرا این ملتی است که شاهد تاریخ،
فرهنگی فرهنگی و مدنده را که در طول قرون و اعصار
پرورش داده همراه با این دامنه تفاهم و فهمکری و هوش
یکسان را کار کرته است. از میان ملل غیربرفراز، ایران
نخشنین ملتی بود که مفهوم واقعی اسلام را دریافت و با
پیغمبر اسلام و خادن ایوان او پیوسته استوار است. از میان
یکسانه ها، شاه، اهل ایوان است که این فهمکری و هوش
یکسان را فرموده است.

مفهوم جشن شاهنشاهی ایران

پستال شی، در ۱۹۵۱، پروفوسر «رنگ کرومه»
شلو اکادمی فرمانه و پیکی از برجسته‌ترین استادان مطالعات
ریاضی خوان «خان»، اکثر آنرا وی تاکنون بسیاری
زیبایانه چهان مجهود شده است، کم قابل مرد گذشت
نابتانست انتشار مجهودی از پاریس بهام «روز ایران»،
که ریاضی خوانان تقدیم کردن بتوشت که «ایران و روح
شری آن» نام داشت. این شعر بهمنجو جالی مینکشند کهند
امان آن تاکنی است که از نظر تکنی و معنوی اساس چشم
و بازدار و باصمین مال پیکارنده را علی‌الله ایران شمار
پیانده و ازین سبب شاید هر یادداش باشد که بچایر هر مقدمه
پیچیدگیری، غیر توشه پروفوسر کرومه» در اینجا
تقلیل شود:

را می‌شکت «خیر، زیرا یکتاپرست زندگانی اصل و حداقت اسلامی را برای باخود آشنا یافته، همچنانکه در غرب آن دنیه افلاطونی سیاست را با خود آشنازدند.

در هردو موارد، ظاهر فترتی روی داد، وی در واقع جنبه استمراری امامه یافت. ایرانیان اسلامی نویسان به عنصر کفایتات و ملی مدنیت ایران که موده باقی بودند، حق درین حیات نو، راهنمای تازمتر و امکاناتی فروختند. این راهنماییان و فرهنگ شوهری پاکت، زیرا مسلمان‌شدند ایران، تقابلاتی اینست تیجه را برای دستکار که برای نفوذ آن دنیه ایرانی می‌گذاشت و می‌سیاسی و می‌سیاست. در مناطق پنهانوری از پیاوی اسلامی امور همان کرد. تاریخ سیاست‌پویانی طبقه حاکی است که اسلامیان و ادبی و تفکری و فرهنگی ایرانی و ایرانی‌گزاران را خلقانی ایرانی امور دیوانی درستندن عیا و در برایهای خلاقانی این راهنماییان را برای این دنیه ایجاد کردند.

عرب و عجمیان همچنانی ملک را پیرهند دادند.
«عنت تیندن ایرانی در طول قرون باز پایه هوشی شکفت اتگریز همه پیگانگان را که در خالک ایران مستقر شدند در عوالم کرد، ساسار، ساسار، مغولان، ترکان، هر کدام تها در عرض جنگل، سپاهان، همان اندازه ای که در پایه ایرانیان سکوت خیار شدند که اسکان بیانواهی مانی که در زیرمانی فرانسه سکونت کردند اندانشکن افسوسی شدند، ظری طنزی تاریخی پایانشان می بینید که امداد ایرانی در پی درود خشمگین که در خارج خاص خوده پس از آنکه هر چوچ پیگانای را ازرس گذراشند، هر چوچ موروثی و تواریخ و پایه و پیش راه از اینجا باید هر چوچی تو آغاز مرد است، این واقعیت در قرن نخستین همراه باشد و صفوی، و در عصر حاضر باهشت بهاری پیورتی باز تجلی یافته است.

«بن اسمرار پی و قله در طول قرون تمدنی، «ایران امکان ایجاد اسکان که تمامی ملیقاً و اساقیه بروجود آورد، و باعتراف یونانیان (که مسلمان و متوان ایران نبودند) و به لئن نه توانات، گاهاشنی هخامنشی برخانی و مکونهایها

امیر اقتصادی های پیش از آن بر اساس اغماض و گذشتدهای
و احترام بحقوق همه ملیتها و جوامع و بزم زمان اداری
نیک اندیشه ایان را بنیان نهاده شده بود، ساسانیان، با آنکه
مزدیانی هائی بسیار مؤمن و معتقد بودند، چه در مردم کلیسا

جشن‌های ۲۵ ساله شاهنشاهی ایران

انسان در جهان

دبلیو امریکن

چاپ ایتالیا

استقبال

جهانی

نشریه خبری پرکاره ادبی امریکن
که درین پاپخت اینجا نشست
بیرون داد و معاذن دنیا بیرون
خواهند داد در گرفتن پر کاره این
جنون‌های شاهنشاهی ایران نوشته
است پاپاهان - سلطان - ملکه
ها سرویس‌جمهوری و سران ممالک
جهان از انسان ریس گرفتی در تقدیم
در مرکز ایران گرد خواهند
دان گرامیتر و والتر از هر
گوهری است.

فرهنگ اصیل

و داقع حیق تی تیست که
هتر، فرهنگ و نیتیت کلا و بطری
بود. این از خود آن بوده باشد.
تو نوشته است این مراسم ۱۱ تیر
ماه می‌شود و باتلاق هنر مولت
زیادی پایان داشته است مدربادی
از بیرون چنان با خوشحالی و
سیاسی قراون گفت موقوفه داشته
که این از خود آن بوده باشد.
برای این از خود آن بوده باشد.

میراث اصیل

در ایران فعالیت شدیدی در

دارد.

در این نوامبر آینده دو هزار

و ایضی‌الیسان سالکرد شاهنشاهی ایران

که یکی از کشورهای ایران

روزی منسی است طی مراسم چشم

گرفته خواهد

که اکنون از چهل و سه نفر از

سران کنور هیئت خسارتی

پس از کار در این مراسم

عدوت عمل آمد است در میان

دستور داده این خسارت چون مسوی

پرسی چهوره ترکیه نیز وجود

مادر.

حقیقت این است که گذشت از

جهانگردان غرق غیر محدود

دستور و میان ای ای ای ای ای ای ای

که در اکنون ای ای ای ای ای ای ای

اعمال خواهد بات.

مهربانی خواهد نظر نیز

آغاز می‌شود.

ایران را پس از

ایران را



شاهنشاه آریامهر هنگام اعطای استانداری کشاورزان (۱۴۴۲)

۱۱ - خداد

● قراردادی پرای ایجاد چند سرخانه مجهز در استان خوزستان
پسپوی رسید .

● بر خوش بان در گلستان یک سری اماکن عالم‌النفعه ، شامل
راشکان - کتابخانه - دیربان زده شد .

● موافقانه بازگانی میان ایران و چکسلواکی به امضاء رسید .

● قرارداد احداث اولین پایگاه تکیر ماهی در رویخانه سفیدروده
در استان کیان بین ایران و سوریه به امضاء رسید .

● عملیات پرای ایجاد مه «دویسی» از توابع ساوه آغاز شد . این
ده پس از ساختن دریاچه ایوان کار لازد گان قرار میگردید .

● قرارداد ایجاد ۸۰ میلیون ریال اعشار چهت سرمایه‌گذاری منتهی
امضاء شد این مبلغ بسیر و امیری صارف منتهی متفق شده است .

● گلستان مهندسین هرگز تلقن خود کار شهرستان مهاباد بازمیں
زده شد .

● پهله برداری از چهار حلقه چاه عیقی پرای توسعه تسویهات
کشاورزی در مهاباد آغاز شد .

● شاهنشاه امر فرست هنگام هدایت را گشودن این سد به مبلغ
۹۱ میلیون ریال ساخته شد و ۱۵ میلیون هر تکمک آب در خود خذیره
میگردید . از پایی این سد است .

● شاهنشاه انسانهای کشاورزان هدایت را توزیع گردید و
فرمودند : «اگر از ترجیح سیاه انتقال سفید ایران را نمی‌بینند و خون‌میطلبند
هست این آنها دادن قریبی است .

● تحریکات ارتقا یافته کوچکترین تائیری در بیشتر انتقال هست ایران
نیازدارد .

● عملیات معمتمانی پرای ساختمان راه کرمان به پندر عاصی آغاز شد .

● تقدیم پندتی هزار ساله ایران به ایجاد فرمودند : دیک کادر افرادی جسته
و خدمتگزار حقیقی پایه ای طرحی اسلامی را که نصیب می‌شوند .

● پرسیده بسته پکیزد و تربیت این کادر بهمراه دانشکده های ایرانی می‌شوند .

● طبق هواپی مستقیم کوتی و تهران افتتاح شد .

● ۳۶ - خداد

● عملیات تجدید بنای یک دمکوه از املاک سلطنتی در استان کرمانشاه
کاروارز تعمیر شد .

● ناشیکه کوکنده گلستان روش شیمیی پسروت عملی در داشتاریمالی
افتتاح شد .

● رئیس جمهوری هند به همراه آمد . شاهنشاه از مهمان عالی‌قدر
در فرودگاه استقبال کردند .

● ۳۷ - اردیبهشت

● مقامات خاده سازی تعداد ۱۰۰۰ دستگاه خانه برای افسران
در دریاچه کارون گردند .

● قرارداد شلات چوب پرای سید ماهی و میکو بین ایران و
پاکستان به امضاء رسید .

● ۳۸ - اردیبهشت

● عملیات مجدد پرای ریشه‌کن گزند مالزیا ، در نواحی جنوب ایران
آغاز شد .

● چاه شماره ۳۰ خارک در خلیج قارس در میان ۱۱۷۳۲ پالی بیفت
در سود کارخانه ها آغاز شد .

● ۳۹ - خداد

● قرارداد تجدید بنای یک دمکوه از دهات زارله زمی قزوین با
ظرفیت ۱۸ هزاره به امضاء رسید .

● چاه شفت اطراف شهر از پشت رسید و دو چاه دیگر در آغاز جری
تیز وارد خود را در پلکان پسته دارند .

● ۴۰ - خداد

● قرارداد راه‌آهن آب آرامانی شهر های برازجان و پوشهر با
اشتبار ۱۰۰ میلیون ریال به امضاء رسید .

● ۴۱ - خداد

● عملیات ساختمند راه‌آهانی های این نهاده در سود کارخانه های
کارگران و مشغولان را در تعمیر به این نهاده پنهانند .

● قرارداد بازگردانی ایران و کویری تعمیر شد و حجم میالات
ایران و شوریه در درس افزایش یافت .

● ۴۲ - خداد

● شاهنشاه اسناد مالکیت قستی از اراضی مشوی اسلاخات ارضی را
در کرمان و پندر عاصی ۴ کشاورزان این موقله اصطلاح کردند .

حاودانه حامہ می شاہین شاہی

آغاز سفر کرد، سفری که از راههای تازه میگشتند، و درین زمان، پادشاه با پل در خواب یود، پلچار پوشانی کرد روایی افسانه‌های گشته بود، او امید داشت بود که کورکو را بر دیوار عظیم شالی پایل بگذارد، همان که پلکنخور برای چشم کنی و روز گذاری در مریز پیغامبر سواران دیده بود و هبور آزادی دادن، هنگامی که دروازه هاشم مسته بود، و خوش چشم بای از آب بیزیر، کارچد سالی شست آن دیوار را

اما کوروش چینی نکرد، او دجله را گذراند که آن ساعت تا این شیب دیوار بدرود مسخر میزمند
بابل را در آمد، و پیرای این دادیا که به دجله میریخته
که آب دجله و آب دادیا که به دجله میریخته
با کاستی شاهنشاه بودند و این کوروش چینی
شد که آب دادیا و آب دجله را از سپر عادی
آن بگرداند، و میتر، چون گفت کافی امن
و می خطر باشن ها و ریگاران که آن زیر بای
رس بازان کورکوش و چوخ رعایه هاش، که
اینها گستاخ خود او دید و قدرت فرز
شمار میرفت، گستره شد، و تا میاه هام
بابل، و اینها راه رفته اند و می خواهند
فرستاد که از آن، کسی گندگی را که کوروش
فرستاد که در بود، در خالخال پیشو شمال
و از داخل خاک بابل بسوی شمال
راه خود را و زدن و شتاب خود را به
قرآن اکه بیان بابل رساند، و در میاه
ایپیس، کوروش اتفاق را از میان دو رودخانه
فرستاد که از آن، کسی گندگی را که کوروش
فرستاد که در بود، در خالخال پیشو شمال
و از داخل خاک بابل بسوی شمال
راه خود را و زدن و شتاب خود را به
قرآن اکه بیان بابل رساند، و در میاه
ایپیس، که OPIS یا یک حرکت سریع را پیش میهای
را با بابل پرید، و فرماده، رسارا بایانی
در اتفاق اتفاق، که از آن رعایت نداشت، بسا
که کوروش ناگهانی کوروش رساند جان از با
در آمد که گویی برقی دربرابر تابش آتفای
می خودد و می خواهد قرار گرفته است، رسارا باهم از این
اتفاق، و کوروش چنان پر وزی و قرقی انسانی
رسانید که معجزه شیاهت داشت.

نام

کشورداری را باز شناخت، گویی، اوجده
فمام داشت های انسانی و خصائص سرداشی و
نمایانگی از دوران خوش ترا عصر مات و
ستر افزایشی او را آغاز کرد همه
پس از آنکه بینان سکاهان شاهان قدیم را،
چنان برق آسا، باقیت ساره، درهم نوروزید،
که اینکه کارکنان کوشش و همان، قدرتمندی های
ندیم که اینکه کارکنان داشت، آواره ساخت،
چنانچه که دیدیم، فرست داد تا دشن خود را از
پسران بر ساید و اذله فروزگردش شود، و با
پایه خود، کارگوی از ساره خود، که آنکه
یکسانست همه ای از خوش باقیت بود، به داخل
پسران ایران زار گشت و پیکان اقام و پیکان های
پیر ایران را، مثل رشته های طبل بهم بافت؛ و
با شاهنشاهی پارس، پیوند زد، و هنگامی که
زد سفر پیر ایران زار گشت، رسار شاهزادنش
که این پسران شاهنشاهی را، پارس رسید، و پارس
گردید، پس سهاده، و پارس رسید، و پارس
آن پیوه رسیده را که پیروزی پزیر گوید، گذشت
شده، و سهاده، و پارس امید، گذشت گامده
رسیر قرارداد.
کوروش، این زمان دیگر بابل را نیک
پی شناخت، از درون و برون، و می دانست که
امان از اکدام کنگره کامه غیر عور دهد، و توانی
از چگونه با تدبیر خوش بتوسد، بهار بود که

جدید ...
شگاوه اور شامیں باری میدھنند،
میں آنکھ فیاض پاشی سر شہت
بر قیمتیں این پاپن فلیسوں
و زرگ کے، شاد عطاہن، شاد
بیوی، بوسٹت دید یاک حکیم
زراہدای روزگر مکر از قدرت و
دریابار انسان و از ازدای ای
کرد است، او، بندینیانی
چه و حق سکونت و استوار
این حقوق را ارزانی داشته
کنداشتہ و باضلائی، اکتوں کے
ترکت مسکن و بروی تیست
از قدرت تعقیب و قصیع
و چارچوی میکنداشتنی
ت در واقع پاگئی ناشانخہ

که از اندیشه و عمل رسان
تاریخ گلستانه را بین بدست
برگ، آئین گذارها شنید
حقوقی و مدنی را به کار
حقوقی و مدنی را به کار
به کوشش و قدمی را به کار
د فراموش سپردیده، و گمان
شمار دیگر فتحان برگ
یات آئین گذار بود، که در
تاتلی پیدا شد و بیرگرین
مان باقی، افاء اسارت اقوام
و حق حقوقی را بحق بود، شناختن
که کوروش بتفتند بود
برای اتحاد محظوظ مناسب
مردم شد و با بنی دايله هیچ
ی ویران نشد و همه شهرا
ب استقبال کردند و هر گز

فِتْح

(三)

سب سیزده پیش از پادشاهی خسرو رسید و
این چنگ سرد، که به شوریدن اسریان
و چنانکه خواهیم بید کاهان و روحانیان
بابل انجامیده بود، و کار را چنان رساند
بدور که در بیوار کاخ اختصاصی پادشاه، در
همکامی که او در اسرازدان و خاصان به شراب
نشسته است، دستی نامری شمار بینویسد، ویرای
کتف شاه را می‌بیند، پاشاده شراب پوشید
و روحانیون و کاهان بر زرگ و زبان آگاه بایل
به یک میر و آگاه دل بود و چندی که اعتنای نیای
او را نیای بر روایت کتاب مقدس حجاب کرده
بود، پیغامبر آورده، از شاهزادگانی تدبیر و
کارهای جنک کوروس فریاد کرد.

او هفت سال دشمن را که در دگی تسبیح
ناپذیر از اسلام بود، و او اکنون درون فرو
نمیزدست شکست پایانیز نمود، خواه کرد
زبیر تازاریانه چنگ سرمه داده اهل، خود را از با
درآورده و در جوار آن رسیداری از خود
باشد «هر چیز گرگ اک، فرمان میراند، تا
هر روز از دوسو از برادر و لیدی و از
«از»، و اکنون کوروش بزرگ و شاه
پارسی او، به باطن رسیده، و خاطره او را زندان
کسانی که امیدهای خود را به پیروزی نهاد
وارس و اشان باده، تازه نکهارند، و به
را در دل پاشاده پایل پیشتر شهداز، و همین
فرصتی که اینها ده حق کاهنیان بر قدرتند پایی،
که از روشن باده اند، در چون کین بودند،
و باز کفان و پانکداران که احسان میکردند

پیوستن به جشن ها
بقیه از صفحه اول
توانایی و قدرت این بیوگ را، بوغ اسرا
گردن افواه و ادبیان روزگار خوش برداشت،
چندان بزرگ بود و چندان از درجه زمانی

پیوستن به جشن‌های تشا هتساهی ایران تجدید ...

شاهزاده اخلاقی خواست و شهرو را برگردان او شوهرش مباری بودند.
بعد از دو هزار و هشتاد سال، می آید کنایز باشپسر شاهزاده
این آئین گذاری درخشان را، در عینده این یا آن فیلسوف
پیووندیه ذیا احساس میکند همان روزگر، شاهزاده، شاد
گذار، پاک و بقیر است. این امری زیمن، بوسیت دید پاک حکم
قرن پنجمین، و باقیرت و اراده ای را برگز کرد از قدرت
اراده هر اتفاقی از قرن ایشان بگذرد برآورده و ازادی او،
و احترامش ایندیشه است و اقدام کرده است، او، بدبافی
که نبیند آنکه عقیده ایشان چه و حق سکونت و استقرار
در سرزمین یونی چه ایجاد کردند از این حقوق را ارزش داشته
است، وازان رون، پس از دو هزار و ایوانسال، ایکون
ذیانی اعماق، این مفاهیم را در روش میکند و برای تقویت
آنها بر جای احتمال و برای کاشتن از لذت تقویت و تضییع
حقوق مغلول، چنین جای و اسایی چاره ای میکند، باشانی
و آنچه کویوش روزگر گرداده، در واقع با گنجی فاش نشاند.

و از زبان رفته روپرورت، کنچی که از آذینه و علی رسانش
و گلستانه نیز بدست مخاطب تاریخ گلستانه را نیز بدست
می‌داند.

دینی که تعلید به کوروش برگ، آئین گذارانه شاهنشاهی
ایران دارد، اینست که این رقیه، پرگزترین و قدمی ترین پایه که از
حقوق انسانی را ناشناخته، بست فراموشی سپرده است و مکان
میری، کوروش نیز فاتحی از شمار دیگر فاتحان پرگز
جهان است.

کوروش، نهایت فاتح، بلکه یک آئین گذار بود، که در
 تمام شون تعلید حصر خویش، انتلاقی بیداد و آور و پرگزترین
که باشد این رقیه، سامان یافته، افلاطون اقوام
و اندیان بود، ادام آزادی تقدیم و حقوقن بود، ناشناخته
این توافق، در عمل، هدیه پرگز کوروش بیاندن بود
او در دعوه، جراحت، خواه را فتح کرد، برای اتحاد محيط مناسب
سازن توی بود که خود غازی کرده بود و باین دليل هر چیز
شهر و روسانه، بست فرمان وی و میران شدند و همه شرهای
و مردمان او را چون یک رهاننه، استبلان کردند و هر گز

حشنه های جشن از داخل و خارج



اعضای کمیته جشن شاهنشاهی ایران در ایالات متحده آمریکا

آقای دکتر نقاله - آن سولیمان داشتمند و توئینه ایران شناس پرستون - بوجرسون
مدیریت اداره اسناد و اسناد داشتمند هنری سیپسیان
آقای دکتر احسان باشاطر
آقای دکتر رادن - آن سانکت
ویزس موسسه اسناد اسناد
وزیر داشتمند پیشواپالا
رویس موسسه اسناد اسناد طبلات
دکتر مارون زوین

کمیته عمومی:

آقای فلیپ - د - آداس مدیر موزه هنری سیپسیان
آقای دکتر رابرت - مل سادام استاد اسنادی شرقی داشتمند
شیکاگو

آقای دکتر استبدیلیان:

آقای دکتر موزه هنر دنور مدیر موزه هنر دنور
آن داشتمند پیشواپالا

آقای دکتر کارل بیک:

آقای دکتر رابرت کارل بیک آن داشتمند پیشواپالا

آقای دکتر رابرت چارلز:

آقای دکتر اینین شتائی آن داشتمند کالیفرنیا دلوس

آقای دکتر رابرت - ه سیریل:

آقای دکتر ریچارد ساف سیریل شرکی هنری کیپلر در نیویورک

آقای پروفسور ولیام سامپریت:

آقای تندور سوپلانتزی مدیر موزه لکس پیشواپالا

آقای قرون - وطنی:

آقای میشکان مدیر موزه اسناد اسناد

آقای چارلز - نی - بالکلی:

آن اولن دکتر تونادارد کارمیچل

دکتر - چوز - او - سکالدول:

دکتر - اچ - استرنکو مل و مشتک

دکتر ریچارد کوتون:

آقای دکتر کوتون مدیر موزه اسناد اسناد

خانم اولیورادرس:

آقای پروفسور مارلیندیدمن اسناد اسناد اسناد اسناد

پیشواپالا:

آقای دکتر بین هاس داشتمند کالیفرنیا ، لوس آنجلس

آقای پروفسور ریچارد لیس:

آقای دکتر داشتمند کراس

آقای پروفسور جان کوینونز:

آقای دکتر کوینونز آن داشتمند کراس

آقای پروفسور چرچ هیبور:

آقای دکتر چرچ هیبور اسناد اسناد اسناد

آقای پروفسور چاکوب هوروز:

آقای دکتر هوروز آن داشتمند کلیفیلد پیشواپالا

آقای پروفسور دونالد هاپن:

آقای دکتر هاپن آن داشتمند کراس

آقای پروفسور سی. پلبرن:

آقای دکتر پلبرن آن داشتمند هنری پیشواپالا

آقای پروفسور پیتر گراو:

آقای دکتر پیتر گراو آن داشتمند هنری پیشواپالا

آقای پروفسور کنت سالوون:

آقای دکتر سالوون آن داشتمند هنری پیشواپالا

آقای پروفسور مالیندی:

آقای دکتر مالیندی آن داشتمند هنری پیشواپالا

آقای پروفسور پیتر گلوب:

آقای دکتر گلوب آن داشتمند هنری پیشواپالا

آقای پروفسور ولیام بیک:

آقای دکتر بیک آن داشتمند هنری پیشواپالا

آقای دکتر بیکر - س. تاونسون:

آقای دکتر بیکر آن داشتمند هنری پیشواپالا

آقای دکتر بیکر - س. پیترسن:

آقای دکتر پیترسن آن داشتمند هنری پیشواپالا

آقای دکتر بیکر - ج. نویورک:

آقای دکتر نویورک آن داشتمند هنری پیشواپالا

آقای دکتر بیکر - ج. نویورک:

آقای دکتر نویورک آن داشتمند هنری پیشواپالا

آقای دکتر بیکر - ج. نویورک:

آقای دکتر نویورک آن داشتمند هنری پیشواپالا

آقای دکتر بیکر - ج. نویورک:

آقای دکتر نویورک آن داشتمند هنری پیشواپالا



بانو پاروشا نیکون



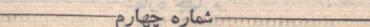
اسیفرو و گیون



ولیام راجرز



ملون لرد



ارل وارن



شماره چهارم

ریاست عالیه:

بانو پاروشا نیکون ، همسر حضرت رئیس جمهوری

کمیته افتخاری:

جانب آقای اسپررو-گیتو معاون ریاست رئیس جمهوری آمریکا

حضرت هریس - بروکس - جانسون رئیس جمهوری سابق آمریکا

خانم دوایت - د - اینزهار - همسر رئیس جمهوری آمریکا

جناب آقای ایلدوین:

جانب آقای ولیام - ب - راجرز روزنر خارجیه

جانب آقای ملین - ب - لور ورزدانه ایلان

جانب آقای جان - آن سیپیل - دادستان کل

وزیر کشور:

جانب آقای کلیفورد - دی - هاجسون وزیر کشاورزی

جانب آقای جیمز - دی - هاجسون وزیر دارالحرکات و خدمات اجتماعی

جانب آقای جورج - دامن وزیر شهری

وزیر حمل و کشت - دلیل - وزیر

وزیر پست و تلگراف

وزیر امنیت - کالیفornia

وزیر امور خارجه - دیوید

وزیر امور خارجه - دیوید